

بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و ریسک‌پذیری در جهت ایجاد ارزش شرکت

دکتر حبیب اله نخعی

استادیار گروه حسابداری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

Habibollahnakhaei@gmail.com

نرگس حسینی

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران. (نویسنده مسئول).

Narges.hoseinaie@gmail.com

احسان قدردان

مربی گروه حسابداری دانشکده شهید بابایی، دانشگاه فنی و حرفه ای استان قزوین، ایران.

e.gh.tvu@gmail.com

شماره ۳۱ / پاییز ۱۳۹۹ (جلد سوم) / صص ۴۵-۶۲
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره سوم)

چکیده

سهامداران همواره نیازمند اطلاعاتی هستند که بتوانند برای ارزیابی تصمیمات خود از آنها بهره گیرند. تصمیمات باید از لحاظ مالی و دیدگاه تحلیل گر مالی به گونه ای باشد که در شرکت ارزش ایجاد کند. در هر رویداد اقتصادی، سرمایه گذاران برای تصمیم گیری نیازمند اطلاعات قابل اتکا هستند. از دیدگاه سرمایه گذاران، اطلاعاتی قابل اتکا تلقی می شود که یک سازمان مستقل بر فرآیند گزارش گری شرکت ها و مرکز ثقل این فرآیند یعنی صورت های مالی، نظارت نمایند. در این راستا هدف پژوهش حاضر، بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر ریسک پذیری در جهت ایجاد ارزش شرکت است. به همین منظور نمونه ای مشتمل بر ۱۸۵ شرکت از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۷ انتخاب گردیده است. جهت آزمون فرضیه ها از تکنیک رگرسیون چند متغیره به روش تابلویی استفاده شده است. معیارهای مورد استفاده جهت سنجش کیفیت حسابرسی پنج مولفه تخصص حسابرس، دوره تصدی حسابرس، اندازه موسسه حسابرسی، تمرکز مالکیت و اعضای غیرموظف در هیئت مدیره می باشند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که همه مولفه های به کار گرفته شده در ارتباط با کیفیت حسابرسی و عامل ریسک بر ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد. همچنین همه مولفه ها، اثر ریسک پذیری بر ایجاد ارزش شرکت را تعدیل می کنند.

واژگان کلیدی: ارزش شرکت، ریسک‌پذیری، کیفیت حسابرسی.

بیان مساله

با توجه به رشد واحدهای تجاری و تأسیس شرکت‌های سهامی، و این که هر یک از سهامداران دارای علائق و انتظارات متفاوتی هستند، هدف نهایی و آنچه که می‌توان بین همه آن‌ها مشترک دانست، حداکثر ساختن ارزش جاری سرمایه-گذاری انجام شده در شرکت است. امروزه از دیدگاه بازار سرمایه و سهامداران، آنچه ارزش شرکت را تشکیل می‌دهد رشد پایدار و متممادی ارزش آفرینی است نه سودآوری گذشته و کوتاه مدت. (معین‌الدین و همکاران، ۱۳۹۳). ارزش‌گذاری شرکت‌ها از ضروریات برنامه‌ریزی برای مدیران و سرمایه‌گذاران است. ارزش‌گذاری نمایشگر چگونگی تاثیر استراتژی و ساختار مالی بر ارزش بازار سهام شرکت‌ها است. ارزش شرکت برای سهامداران، سرمایه‌گذاران، مدیران، اعتباردهندگان و

سایر ذینفعان شرکت در ارزیابی آن‌ها از آینده شرکت و تاثیر آن در برآورد ریسک و بازدهی سرمایه‌گذاری و قیمت سهام اهمیت به سزایی دارد (پورزمانی و خریدار، ۱۳۹۲).

حسابرسی به عنوان راه‌کاری کارآمد برای محدود کردن اختیارات مدیران در روابط قراردادی محسوب می‌شود. صورت‌های مالی بخش عمده‌ای از اطلاعات مورد نیاز سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان شرکت را تأمین می‌کند. بر اساس چنین سطح اعتمادی به صورت‌های مالی، نقش حسابرسان نیز حیاتی است. حسابرسی صورت‌های مالی امری ضروری است، زیرا صورت‌های مالی حسابرسی شده می‌تواند این اطمینان را برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان فراهم کند که اطلاعاتی معتبر و قابل اتکا در اختیار آنان قرار می‌گیرد. بنابراین حسابرسی صورت‌های مالی می‌تواند ارزش افزوده اقتصادی برای یک شرکت ایجاد کند (نیکبخت و همکاران، ۱۳۹۵). با در نظر گرفتن اهمیت خدمات حسابرسی و عدم امکان مشاهده مستقیم کیفیت حسابرسی، پیدا کردن روشی اثربخش برای کنترل کیفیت ضروری است. کیفیت حسابرسی با اطمینانی که به سرمایه‌گذاران در خصوص کاهش ریسک نمایندگی و کاهش ریسک اطلاعاتی می‌دهد، می‌تواند این امکان را برای سرمایه‌گذاران فراهم کند که اطلاعات مفیدی را از گزارش‌های سالانه شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار، برای تصمیم‌های سرمایه‌گذاری استخراج کنند (جامی و همکاران، ۱۳۹۸).

با توجه به مطالب بیان شده، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و ریسک‌پذیری در جهت ایجاد ارزش شرکت می‌باشد، بنابراین انجام مطالعات بیشتر در خصوص کیفیت حسابرسی، جهت بررسی این‌که آیا معیارهای مختلف کیفیت حسابرسی، باعث ایجاد ارزش برای شرکت می‌شود یا خیر، ضروری به نظر می‌رسد. در واقع با آزمون این متغیرها قصد داریم تأثیر هر یک از آن‌ها بر ارزش شرکت بررسی کرده و مشخص کنیم کدام یک می‌تواند ارزش شرکت را دستخوش تغییر کند. در نهایت با وارد کردن این معیارها به عنوان متغیر تعدیل‌کننده، میزان تأثیرگذاری آنها را بر رابطه بین ریسک‌پذیری و ارزش شرکت بررسی می‌کنیم. تحقیقات بسیاری در زمینه کیفیت حسابرسی در ایران انجام شده است، اما با توجه به بررسی رابطه بین معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی با ریسک‌پذیری در جهت ایجاد ارزش شرکت، شواهد این پژوهش می‌تواند دستاوردهای ارزشمندی برای متون حسابرسی به همراه داشته باشد.

مبانی نظری پژوهش

در دنیای صنعتی امروز وجود اطلاعات مالی قابل اتکا از اهمیت حیاتی برخوردار است. اقتصاد بسیاری از کشورها در کنترل شرکت‌های سهامی بزرگی قرار دارد که سرمایه مورد نیاز خود را از میلیون‌ها سرمایه‌گذار تأمین کرده‌اند. سرمایه‌گذاران که پس از اندازه‌های خود را در اختیار شرکت‌های سهامی قرار داده‌اند با توجه به صورت‌های مالی سالیانه یا فصلی که توسط شرکت‌ها انتشار می‌یابد از استفاده درست و موثر وجوه سرمایه‌گذاری شده خود اطمینان حاصل می‌کنند، اطلاعات منعکس در صورت‌های مالی زمانی برای استفاده‌کنندگان مفید و موثر است که از ویژگی‌های کیفی لازم برخوردار باشد. یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی، قابلیت اعتماد است. اطلاعات مالی هنگامی قابل اعتماد و اتکاست که آثار مالی معاملات و سایر رویدادهای مالی به گونه‌ای بیطرفانه اندازه‌گیری شده و نتایج اندازه‌گیری‌ها معتبر و قابل تأیید مجدد باشد. حسابرسی گزارش‌های مالی باعث ارتقای کیفیت آن‌ها می‌گردد و کیفیت بالای حسابرسی بر این مهم می‌افزاید (حاجیها و قانع، ۱۳۹۵). همچنین، حسابرسی به عنوان یک سازوکار اجتماعی، برای کمک به نظارت و کنترل رفتار مدیران و به عنوان ابزار نظارتی دولت‌ها است. در بُعد اقتصادی، حسابرس به عنوان داور بی‌طرف و مستقل در روابط اقتصادی، قراردادهای کاهش مخاطرات بالقوه اطلاعات عمل می‌کند و اطمینان خاطر و آرامش تصمیم‌گیران و عموم جامعه را فراهم می‌آورد. به عبارت روشن‌تر، حسابرسی نقش‌های متعدد اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی را برعهده دارد (صالحی و عبدلی-

محمودآباد، ۱۳۹۷). گزارش حسابرسی به عنوان محصول نهایی فرآیند حسابرسی، ماهیت کالای (خدمات) عمومی را دارد که استفاده از آن مانع استفاده از دیگر خدمات عمومی نمی‌شود و مصرف آن در انحصار هیچ مصرف کننده خاصی نیست (اسکندری، ۱۳۹۴). این کالای عمومی همانند سایر کالاها و خدمات باید از کیفیت مناسبی برخوردار باشد تا تقاضا برای آن استمرار داشته باشد. از طرفی حرفه حسابرسی، مانند سایر حرفه‌ها، برای حفظ جایگاه خود نیازمند کسب اعتماد عمومی است. آنچه جامعه، از حرفه حسابرسی انتظار دارد، ارائه گزارش حسابرسی با کیفیت به جامعه است. این، ارزش افزوده‌ای است که تنها، حرفه حسابرسی قادر به افزودن آن به اطلاعات مالی شرکت‌ها است. از این رو خدمات حسابداران رسمی باید در بالاترین سطح ممکن و با رعایت ضوابطی ارائه شود که تداوم انجام این خدمات با کیفیت مناسب را تضمین کند (یاسایی، ۱۳۸۹). افزون بر این، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذی‌نفعان برای ارزیابی عملکرد مالی واحدهای تجاری مختلف و تصمیم‌گیری در مورد موقعیت‌های گوناگون سرمایه‌گذاری، به نتایج حسابرسی انجام شده به وسیله موسسات حسابرسی مستقل اتکا می‌کنند. از این رو، هرچه کیفیت حسابرسی بیشتر باشد، ارزش، اعتبار و قابلیت پذیرش آن به وسیله استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی افزایش می‌یابد (اشباق و وارفیلد^۱، ۲۰۰۳).

از سویی دیگر، سهامداران به عنوان مالکان اصلی واحد تجاری به دنبال حداکثر کردن ثروت خود هستند که این افزایش تنها در نتیجه عملکرد مطلوب شرکت و مدیریت حاصل خواهد شد. به همین علت سهامداران همواره نسبت به موضوع عملکرد واحد تجاری اهمیت ویژه‌ای قائل بوده‌اند. این امر باعث گردیده است که در دنیای رقابتی امروز افزایش ثروت سهامداران و ایجاد ارزش برای شرکت، از اصلی‌ترین چالش‌های پیش روی مدیران شرکت‌ها به شمار آید (حسینی، ۱۳۸۹). هدف اصلی گزارشگری مالی کمک به استفاده‌کنندگان به ویژه سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است و ارزیابی شرکت، مبنای اصلی تصمیم‌های اقتصادی سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد. بنابراین، مقایسه ارزش شرکت‌ها یکی از روش‌های بهبود فرآیند سرمایه‌گذاری به شمار می‌رود (حیدری‌بهراری، ۱۳۹۵). در واقع وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل اتکا که محصول یک سیستم گزارش‌گری جامع و مناسب می‌باشد، از ارکان ارزیابی وضعیت و عملکرد یک شرکت و تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری در شرکت به حساب می‌آید. در هر رویداد اقتصادی، سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری نیازمند اطلاعات قابل اتکا هستند. از دیدگاه سرمایه‌گذاران، اطلاعاتی قابل اتکا تلقی می‌شود که یک سازمان مستقل بر فرآیند گزارش‌گری شرکت‌ها و مرکز ثقل این فرآیند یعنی صورت‌های مالی، نظارت نمایند. نمونه‌ای از این-گونه سازمان‌های مستقل، موسسات حسابرسی می‌باشند که برای صورت‌های مالی گزارش شده؛ ارزش افزوده فراهم می‌کنند، زیرا نتایج بررسی مربوط بودن و قابلیت اتکا محتوای صورت‌های مالی را گزارش می‌دهند. با توجه به جایگاه و نقش موسسات حسابرسی در تصمیمات استفاده‌کنندگان، کیفیت حسابرسی به عنوان عامل کلیدی در تهیه گزارش‌های حسابرسی، مورد توجه استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرد. مدیریت برای حفظ ارزش واحد تجاری باید تلاش کند بازده مورد انتظار را حداقل به سطح هزینه سرمایه برساند. سهامداران نیز در تعیین نرخ بازده مورد انتظار خود بر صورت‌های مالی شرکت اتکا می‌کنند. بنابراین قابلیت اتکاء صورت‌های مالی گزارش شده می‌تواند در برآورد بازده مورد انتظار سهامداران موثر باشد. از طرف دیگر، قابلیت اتکاء بر صورت‌های مالی، با انجام حسابرسی با کیفیت امکان‌پذیر خواهد بود (خدای‌پور و همکاران، ۱۳۹۲).

همچنین ریسک، بخشی جدایی‌ناپذیر از تمامی فعالیت‌های تجاری است و مدیریت اثربخش آن، نه تنها در رابطه با پیشگیری از مشکلات مالی و انجام بودجه‌بندی سرمایه‌ای به شرکت کمک می‌کند، بلکه فرآیند تصمیم‌گیری را نیز بهبود می‌بخشد. در واقع یکی از اصلی‌ترین وظایف مدیریت، سروکار داشتن با ریسک شرکت است. (ملکیان و شایسته‌مند، ۱۳۹۴). ریسک‌پذیری، نقش بسیار بااهمیتی در حفظ مزیت رقابتی شرکت‌ها دارد و می‌تواند آن‌ها را به سمت رشد

¹ - Ashbaugh and Warfield

اقتصادی بالاتر رهنمون سازد. شرکت‌ها در محیط رقابتی، استراتژی‌های مختلفی را دنبال می‌کنند تا از این طریق سهم خود را در بازار افزایش داده و موانعی را برای ورود دیگران ایجاد نمایند. انتخاب هر استراتژی، مستلزم پذیرش سطح متفاوتی از ریسک است و به‌گونه‌ای متفاوت بر ریسک شرکت تأثیر می‌گذارد. در حالی که انتخاب برخی استراتژی‌های تجاری، به دلیل افزایش سهم شرکت در بازار، آسیب‌پذیری شرکت در مقابل نوسانات کلان اقتصادی را کاهش داده و می‌تواند منجر به کاهش ریسک سامان‌مند (ریسک بازار) شرکت گردند، از سوی دیگر قادر به افزایش ریسک اختصاصی شرکت نیز هستند (نگوین^۲، ۲۰۱۱). در ادبیات مالی و حسابداری، ریسک‌پذیری شرکت به‌عنوان ابهامات مرتبط با بازده و جریان نقدی مورد انتظار ناشی از سرمایه‌گذاری تعریف می‌شود (رایت و همکاران^۳، ۱۹۹۶). بر پایه این تعریف، ریسک-گریزی مدیران موجب اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری با ریسک پایین و به تبع آن عدم پذیرش فرصت‌های سرمایه‌گذاری دارای ریسک و ارزش بالا می‌گردد (اسمیت و واتس^۴، ۱۹۸۵؛ گای^۵، ۱۹۹۹). با این حال، مدیران به پذیرش ریسک کمتر نیز تمایل دارند که به نوبه خود ممکن است کاهش ارزش شرکت را به همراه داشته باشد. براساس تئوری نمایندگی، مدیران هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری ریسک شخصی خود را نیز در نظر می‌گیرند، چرا که آنان نمی‌توانند همانند سهامداران از طریق تنوع بخشی، ریسک شخصی خود را کاهش دهند (مای^۶، ۱۹۹۵). بنابراین از آنجا که سرمایه‌گذاری-های ریسکی، ممکن است منجر به بروز بحران مالی و در پی آن مخدوش شدن امنیت شغلی مدیران شود، لذا آنها ممکن است از پذیرش چنین فرصت‌های سرمایه‌گذاری خودداری نمایند. ضمن آن که پذیرش طرح‌های سرمایه‌گذاری پریسک، هزینه‌های اضافی نظیر محدود شدن رفتار فرصت‌طلبانه مدیران در سوء استفاده از منابع شرکت را به آنها تحمیل خواهد نمود (آمیهود و لو^۷، ۱۹۸۱). جنسین و مک لینگ (۱۹۷۶)، نشان دادند که وجود یک سازوکار نظارتی قوی باعث کاهش تضاد منافع میان مدیران و مالکان شده و مدیران را ترغیب می‌نماید که در راستای تأمین منافع مالکان عمل نمایند. بر این اساس، انتظار می‌رود که نظارت قوی موجب افزایش ریسک‌پذیری شرکت گردد. مطالعات قبلی (بوشمن و اسمیت^۸، ۲۰۰۱؛ کانودیا و لی^۹، ۱۹۹۸)، از حساب‌برسان مستقل به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای نظارتی یاد کرده و بر این باورند که انجام حسابرسی با کیفیت بالا، از عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و مالکان کاسته و موجب کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌گردد. از لحاظ نظری، نظارت قوی؛ بر تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران اثرگذار بوده و از طریق کاهش هزینه‌های نمایندگی سبب پذیرش فرصت‌های سرمایه‌گذاری مخاطره آمیز اما با ارزش بالا، می‌گردد (رایت و همکاران^{۱۰}، ۱۹۹۶؛ لو^{۱۱}، ۲۰۰۹). بر این اساس، انتظار می‌رود که به‌کارگیری حسابرسی با کیفیت بالا، موجب افزایش ریسک‌پذیری شرکت شود (صفری گرایلی، ۱۳۹۶).

با توجه به مبانی نظری یاد شده فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین شده اند:

فرضیه اول: تخصص حسابرس بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: تخصص حسابرس، شدت اثر ریسک‌پذیری بر ایجاد ارزش شرکت را تعدیل می‌کند.

فرضیه سوم: تصدی حسابرس بر ایجاد ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد.

2- Nguyen

3- Wright et al

4- Smith and Watts

5- Guay

6- May

7- Amihud and Lev

8- Bushman and Smith

9- Kanodia and Lee

10- Wright et al

11- Low

- فرضیه چهارم:** تصدی حسابرس، شدت اثر ریسک‌پذیری بر ایجاد ارزش شرکت را تعدیل می‌کند.
- فرضیه پنجم:** اندازه موسسه حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد.
- فرضیه ششم:** اندازه موسسه حسابرسی، شدت اثر ریسک‌پذیری بر ایجاد ارزش شرکت را تعدیل می‌کند.
- فرضیه هفتم:** مدیران غیرموظف، بر ایجاد ارزش شرکت تاثیر معناداری دارند.
- فرضیه هشتم:** مدیران غیرموظف، شدت اثر ریسک‌پذیری بر ایجاد ارزش شرکت را تعدیل می‌کند.
- فرضیه نهم:** مالکیت متمرکز بر ایجاد ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد.
- فرضیه دهم:** مالکیت متمرکز، شدت اثر ریسک‌پذیری بر ایجاد ارزش شرکت را تعدیل می‌کند.
- فرضیه یازدهم:** ریسک‌پذیری بر ایجاد ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد.

پیشینه تجربی پژوهش

پژوهش‌های خارجی

مانگستی و سولیمون^{۱۲} (۲۰۱۹)، پژوهشی را با عنوان "رابطه بین کیفیت حسابرسی و ریسک‌پذیری در جهت ایجاد ارزش" با استفاده از تعداد ۱۴۵ شرکت پذیرفته شده در بورس جاکارتا طی سال‌های ۲۰۰۴ الی ۲۰۱۵، به روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد بین پنج مولفه به‌کار گرفته شده برای بررسی کیفیت حسابرسی و همچنین عامل ریسک، تنها دو معیار تصدی حسابرس و تمرکز مالکیت در ایجاد ارزش موثر بودند و سایر متغیرها تأثیر معناداری در ایجاد ارزش نداشتند. علاوه بر این، هیچ یک از آنها تأثیرات ریسک شرکت‌ها در ایجاد ارزش را تحت تأثیر قرار ندادند. تای و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۸)، "نقش هیئت مدیره و کمیته حسابرسی در مدیریت ریسک شرکت" طی سال‌های ۲۰۰۴ الی ۲۰۱۰ به روش رگرسیون لجیت و توییت با استفاده از نمونه بزرگی از شرکت‌های S&P500 مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که هیئت مدیره، به ویژه کمیته حسابرسی، نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به حمایت از شرکت، از جمله محافظت و کاهش ریسک، ایفا می‌کند. هوانگ و وانگ^{۱۴} (۲۰۱۵)، با بررسی "راهبری شرکتی و ریسک‌پذیری شرکت‌های چینی" طی سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۱ به روش رگرسیون حداقل مربعات دو مرحله‌ای نشان دادند که شرکت‌های چینی با مالکیت متمرکز، کمتر احتمال دارد که در سرمایه‌گذاری‌های پرمخاطره سرمایه‌گذاری کنند. به عبارت دیگر، شرکت‌ها با راهبری متمرکز، سرمایه‌گذاری‌های با ریسک کمتر انجام می‌دهند. هولشر و سیوی^{۱۵} (۲۰۱۴)، پژوهشی را تحت عنوان "تخصص صنعت حسابرس با ریسک‌پذیری شرکت و تأثیر نظارت خارجی بر رابطه بین آنها" در بازه زمانی ۲۰۰۳ الی ۲۰۰۷ به روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی با استفاده از ۱۵۲۵ سال-شرکت مشاهده مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها دریافتند که بین تخصص صنعت حسابرس و سنجش‌های ریسک‌پذیری شرکت (انحراف معیار بازده و هزینه تحقیق و توسعه) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. علاوه بر این، ایشان دریافتند که رابطه بین تخصص صنعت حسابرس با ریسک‌پذیری شرکت در شرکت‌های دارای سایر ابزارهای نظارت خارجی، ضعیف‌تر است. علی‌شاه و همکاران^{۱۶} (۲۰۱۳)، "تأثیر مدیریت شرکت و ساختار مالکیت بر عملکرد مالی شرکت‌ها و رفتارهای ریسک‌پذیری" را با استفاده از تعداد ۴۰ شرکت، طی سال‌های ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۰ به روش رگرسیون مبتنی بر داده‌های تابلویی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان داد که بهبود شیوه‌های شرکتی باعث افزایش

¹²- Mangesti and Solimun

¹³- Tai et al

¹⁴- Huang and Wang

¹⁵- Hoelscher and Seavey

¹⁶- Ali Shah et al

عملکرد مالی شرکت و کاهش سطح ریسک در حین انجام مشاغل ریسک‌پذیر می‌شود. مدیریت شرکت همچنین با مالکیت تمرکز رابطه منفی دارد و این واقعیت را اثبات می‌کند که افزایش سطح تمرکز مالکیت منجر به کاهش سطح شیوه‌های خوب توسط بنگاه‌ها می‌شود. این نتایج همچنین نمایی از ساختار شرکتی شرکت‌های پاکستانی ارائه داده و این واقعیت را اثبات می‌کند که مالکیت متمرکز در مالکیت منفرد تنها باعث کاهش سطح مدیریت شرکت و عملکرد مالی بنگاه‌ها می‌شود و همچنین منجر به افزایش سطح می‌شود.

پژوهش‌های داخلی

جامی و همکاران (۱۳۹۸)، پژوهشی را با عنوان "بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار"، با استفاده از تعداد ۱۱۹ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ به روش رگرسیون خطی چند متغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که کیفیت حسابرسی، ارتباط مثبت بین سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم (به صورت مشترک) با ارزش شرکت را تقویت می‌کند. میرزاجانی و حسین‌زاده-جماستان (۱۳۹۷)، پژوهش خود را با عنوان "نقش کیفیت حسابرسی در ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، با استفاده از تعداد ۱۳۰ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ به روش رگرسیون چند متغیره مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که بین ارزش دفتری هر سهم و کیفیت حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. صالحی و عبدلی محمودآباد (۱۳۹۷)، با بررسی "تأثیر تخصص حسابرس در صنعت بر ریسک‌پذیری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، با استفاده از تعداد ۱۴۷ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ با تکنیک آماری رگرسیون چند متغیره مبتنی بر داده‌های تابلویی با اثرات ثابت و تصادفی دریافتند که بین تخصص حسابرس در صنعت و ریسک‌پذیری شرکت‌ها ارتباط مستقیم وجود دارد. از سوی دیگر، نتایج نشان داد درصد مالکیت سهامداران نهادی بر ارتباط بین تخصص حسابرس در صنعت و ریسک‌پذیری شرکت‌ها تأثیر مستقیم فزاینده دارد. هادی‌زاده (۱۳۹۷)، نیز با "بررسی تاثیر دوره تصدی حسابرس بر رابطه بین ساختار هیئت مدیره و ریسک‌پذیری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" با استفاده از ۱۶۰ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ به روش تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره با تکنیک داده‌های تابلویی با اثرات ثابت نشان داد که در مجموع رابطه معنادار و وضعی بین شاخص‌های هیئت مدیره (اندازه، استقلال و دوگانگی وظیفه مدیرعامل) با ریسک‌پذیری شرکت‌ها وجود دارد. ضمن اینکه اثر دوران تصدی حسابرس بر این ارتباط متفاوت و گاه متضاد می‌باشد. صفری گرایلی (۱۳۹۶)، پژوهشی را با عنوان "رابطه به‌کارگیری حسابرس متخصص صنعت و ریسک‌پذیری شرکت، با توجه به اثر تعدیل‌کنندگی سرمایه‌گذاران نهادی"، با استفاده از تعداد ۹۶ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳ به روش رگرسیون چند متغیره مبتنی بر داده‌های تلفیقی مورد بررسی قرار داد. نتایج حاکی از آن است که با به‌کارگیری حسابرسان متخصص در صنعت، میزان ریسک‌پذیری شرکت افزایش می‌یابد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، رابط بین تخصص صنعت حسابرس و ریسک‌پذیری شرکت را تضعیف می‌کند. پروان و همکاران (۱۳۹۶)، پژوهشی را با عنوان "بررسی تأثیر مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر رفتار ریسک‌پذیری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ با تکنیک آماری رگرسیون چند متغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش به‌طور خلاصه حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین تمرکز مالکیت، مدت زمان تصدی مدیرعامل و متغیرهای وابسته ریسک مالی و ریسک جریان نقدی است. همچنین ارتباط منفی و معناداری را بین درصد مالکیت سهامداران نهادی و دوگانگی نقش مدیرعامل و ریسک مالی، ریسک جریان نقدی را نشان داد. علاوه بر این، نتایج؛ ارتباط معناداری را بین دوگانگی نقش مدیرعامل، ریسک مالی و ریسک جریان نقدی تأیید نمی‌کند. سال‌افزون و همکاران (۱۳۹۵)، پژوهشی را با عنوان

"بررسی ارتباط میان ریسک‌پذیری، ارزش شرکت و پیش‌بینی سود مدیریت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، با استفاده از تعداد ۱۱۵ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ با تکنیک آماری رگرسیون چند متغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که میان ارزش آتی سهام و دقت بالای پیش‌بینی سود مدیریت با ریسک‌پذیری شرکت رابطه معکوسی وجود دارد. همچنین دقت بالای پیش‌بینی سود مدیران، بین ریسک-پذیری و ارزش آتی شرکت رابطه معناداری وجود ندارد.

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش جامعه آماری، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. اطلاعات و داده های آماری در فاصله زمانی ۱۳۹۲-۱۳۹۷ در نظر گرفته شده و نمونه ای مشتمل بر ۱۸۵ شرکت به روش نمونه گیری حذفی سیستماتیک بر اساس محدودیت های زیر انتخاب گردیده است:

- ۱- به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند باشد.
 - ۲- در دوره مورد بررسی تغییر دوره مالی نداشته باشند.
 - ۳- کلیه داده‌های مورد نیاز پژوهش برای شرکت‌های مورد بررسی موجود و در دسترس باشد.
 - ۴- جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی (بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و لیزینگ و شرکت‌های بیمه) نباشد.
 - ۵- سهام آن‌ها در بازار بیش از سه ماه وقفه معاملاتی نداشته باشد.
- روش مورد استفاده جمع آوری داده ها، روش اسناد کاوی و کتابخانه ای می باشد و برای جمع آوری داده های مورد نیاز از اطلاعات صورت های مالی و یادداشت های همراه استفاده شده است. بدین منظور از نرم افزار ره آورد نوین و همچنین از طریق کاوش اینترنتی (سایت کدال وابسته به شرکت بورس اوراق بهادار تهران) استفاده شده است. همچنین برای انجام محاسبات لازم و جهت تجزیه و تحلیل نهایی، از اکسل و نرم افزار Eviews9 بهره گرفته شده است.
- روش پژوهش حاضر با توجه به هدف، کاربردی و طرح آن از نوع شبه تجربی است و با توجه به روش پژوهش، بر اساس روش های توصیفی و همبستگی صورت گرفته است. به منظور آزمون فرضیه های پژوهش و تجزیه و تحلیل داده ها از رگرسیون چند متغیره با به کارگیری داده های ترکیبی، ضریب تعیین و الگوی رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. به استناد پژوهش مانگستی و سولیمون (۲۰۱۹)، برای آزمون فرضیه‌های اول، سوم، پنجم، هفتم، نهم و یازدهم پژوهش از رابطه (۱) و برای آزمون فرضیه های دوم، چهارم، ششم، هشتم و دهم پژوهش از رابطه (۲) استفاده می‌شود.

رابطه (۱)

$$VC_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 Specialict_{i,t} + \alpha_2 Tenure_{i,t} + \alpha_3 FirmSize_{i,t} + \alpha_4 BMI_{i,t} + \alpha_5 OwnConi_{i,t} + \alpha_6 Riski_{i,t} + \alpha_7 Size_{i,t} + \alpha_8 MBI_{i,t} + \alpha_9 CFI_{i,t} + \alpha_{10} ROAi_{i,t} + \alpha_{11} LEVi_{i,t} + \varepsilon_t$$

رابطه (۲)

$$VC_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 Specialict_{i,t} + \alpha_2 Tenure_{i,t} + \alpha_3 FirmSize_{i,t} + \alpha_4 BMI_{i,t} + \alpha_5 OwnConi_{i,t} + \alpha_6 Riski_{i,t} + \alpha_7 Riski_{i,t} * Specialict_{i,t} + \alpha_8 Riski_{i,t} * Tenure_{i,t} + \alpha_9 Riski_{i,t} * FirmSize_{i,t} + \alpha_{10} Riski_{i,t} * BMI_{i,t} + \alpha_{11} Riski_{i,t} * OwnConi_{i,t} + \alpha_{12} Size_{i,t} + \alpha_{13} MBI_{i,t} + \alpha_{14} CFI_{i,t} + \alpha_{15} ROAi_{i,t} + \alpha_{16} LEVi_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در رابطه های فوق داریم، $VC_{i,t}$: ارزش شرکت i در سال t ; $Specialict_{i,t}$: حسابرس متخصص در صنعت شرکت i

در سال t : $Tenure_{i,t}$: دوره تصد حسابرس شرکت i در سال t : $FirmSize_{i,t}$: اندازه موسسه حسابرسی شرکت i در سال t : $BM_{i,t}$: عضو غیرموظف هیئت مدیره شرکت i در سال t : $OwnCon_{i,t}$: تمرکز مالکیت شرکت i در سال t : $Risk_{i,t}$: ریسک شرکت i در سال t : $Size_{i,t}$: اندازه شرکت i در سال t : $MB_{i,t}$: ارزش بازار به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در سال t : $CF_{i,t}$: جریان نقد عملیاتی شرکت i در سال t : $ROA_{i,t}$: بازده دارایی شرکت i در سال t : $LEV_{i,t}$: بازده دارایی شرکت i در سال t .

نحوه اندازه گیری متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

ارزش شرکت:

به استناد پژوهش‌های مانگستی و سولیمون^{۱۷} (۲۰۱۹) از معیار کیوتوبین برای اندازه‌گیری ارزش شرکت به شرح زیر استفاده شده است:

$$\text{Tobin's-Q} = \frac{MVS+BVD}{BVA} \quad (\text{رابطه ۳})$$

که در آن داریم، MVS : ارزش بازار سهام عادی؛ BVD : ارزش دفتری بدهی‌ها؛ BVA : ارزش دفتری دارایی‌ها.

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل پژوهش حاضر کیفیت حسابرسی و ریسک‌پذیری می‌باشند.

* لازم به ذکر است، متغیرهای تخصص حسابرس، دوره تصدی حسابرس، اندازه موسسه حسابرسی، مدیران غیرموظف و تمرکز مالکیت به عنوان معیارهای کیفیت حسابرسی، در فرضیه‌های اول، سوم، پنجم، هفتم و نهم به عنوان متغیر مستقل و در فرضیه‌های دوم، چهارم، ششم و دهم در جایگاه متغیر تعدیل‌کننده مورد بررسی قرار می‌گیرند.

ریسک‌پذیری:

به استناد پژوهش‌های مانگستی و سولیمون (۲۰۱۹) و مارکوئیتز^{۱۸} (۱۹۵۲) برای اندازه‌گیری ریسک، از انحراف استاندارد بازده سهام استفاده می‌شود.

کیفیت حسابرسی:

به استناد پژوهش مانگستی و سولیمون (۲۰۱۹)، برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از معیارهای تخصص حسابرس، دوره تصدی حسابرس، اندازه موسسه حسابرسی، اعضای غیرموظف هیئت مدیره و تمرکز مالکیت استفاده می‌شود.

تخصص حسابرس:

به استناد پژوهش مانگستی و سولیمون (۲۰۱۹)، از سهم بازار به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری تخصص در صنعت حسابرس به شرح رابطه (۴) بهره گرفته می‌شود.

رابطه ۴

$$\left(\frac{1}{IF}\right) * \left(\frac{1}{2}\right) < \left(\frac{EA}{EAT}\right)$$

که در رابطه فوق، مجموعه دارایی‌های تمام صاحب‌کاران یک موسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص (EA) تقسیم بر مجموع دارایی‌های کل صاحب‌کاران در این صنعت (EAT)، می‌شود. با پیروی از پالمرز (۱۹۸۶) موسساتی در

¹⁷- Yi et al

¹⁸- Hameed et al

این پژوهش به عنوان متخصص در صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازار آنها (یعنی عبارت سمت راست معادله) بیش از عبارت یک بر روی تعداد شرکت های موجود در یک صنعت (IF) ضرب در یک تقسیم بر دو (یعنی عبارت سمت چپ معادله) باشد.

دوره تصدی حسابرس

به استناد پژوهش علی پور و همکاران (۱۳۹۶)، دوره تصدی حسابرس برابر با تعداد سال‌های که یک حسابرس، حسابرسی صورت‌های مالی شرکت را برعهده داشته است.

اندازه موسسه حسابرسی

به استناد پژوهش‌های رمضان‌احمدی و همکاران (۱۳۹۳)، پیری و همکاران (۱۳۹۲)، اندازه موسسه حسابرسی یک متغیری مجازی است. اگر صورت‌های مالی شرکت توسط سازمان حسابرسی و موسسات معتمد بورس که رتبه الف دارند، باشد برابر با یک و در غیر این صورت صفر می‌باشد.

اعضای غیرموظف هیئت مدیره

به استناد پژوهش صدیقی (۱۳۹۲)، عضو غیرموظف هیئت مدیره از نسبت تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره به تعداد کل اعضای هیئت مدیره به دست می‌آید.

تمرکز مالکیت:

به استناد پژوهش خواجوی و همکاران (۱۳۹۳)، تمرکز مالکیت، درصد سهام تحت تملک بزرگترین سهامدار شرکت (اولین سهامدار عمده) می‌باشد.

متغیر تعدیل کننده

متغیر تعدیل کننده این پژوهش کیفیت حسابرسی می‌باشد که در بخش متغیرهای مستقل ذکر شد.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت: لگاریتم جمع کل دارایی‌ها

ارزش بازار به ارزش دفتری: نسبت ارزش بازار خالص دارایی‌ها به ارزش دفتری خالص دارایی‌ها

جریان نقد عملیاتی: نسبت جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی بر جمع کل دارایی‌ها

بازده دارایی‌ها: سود خالص تقسیم بر کل دارایی

اهرم مالی: نسبت کل بدهی به ارزش دفتری دارایی‌های کل

یافته های پژوهش

در ادامه یافته‌های پژوهش را به صورت بخش آمار توصیفی و استنباطی ارائه نموده و سپس به نتیجه‌گیری از این یافته‌ها پرداخته می‌شود.

آمار توصیفی

در جدول شماره (۱) آمار توصیفی متغیرهای وابسته، مستقل، تعدیلگر و کنترلی را برای کل مشاهده‌های این پژوهش نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود میانگین ارزش شرکت برابر با ۱/۷۴۷ است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر در حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه متغیر اندازه شرکت برابر با ۱۴/۱۹۰ است که نشان می‌دهد نیمی از داده‌های این متغیر کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار است. در طی قلمرو زمانی

پژوهش بیشترین مقدار متغیر ریسک شرکت برابر با ۳/۸۹۵ بوده و کمترین مقدار این متغیر برابر با ۰/۰۵۷ است. شاخص‌های پراکندگی به طور کلی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از جمله مهم‌ترین شاخص‌های پراکندگی که شرط مطلوب برای وارد کردن متغیر به مدل رگرسیونی است، انحراف معیار است. همان‌طور که در جدول (۱) نیز قابل مشاهده است، انحراف معیار متغیرها صفر نبوده و حائز این شرط می‌باشند. در جامعه آماری مورد بررسی بیشترین و کمترین مقدار این پارامتر برابر با ۱/۶۱۸ و ۰/۱۳۱ است که به ترتیب مربوط به متغیرهای نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری دارایی‌ها و جریان نقد عملیاتی است. پارامتر چولگی میزان عدم تقارن منحنی فراوانی متغیر را نشان می‌دهد. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر منفی باشد، چولگی به چپ وجود خواهد داشت. به عنوان مثال ضریب چولگی متغیر مالکیت متمرکز مثبت و برابر با ۰/۴۱۶ است، یعنی منحنی فراوانی این متغیر در جامعه مورد بررسی چولگی به راست داشته و به این اندازه از مرکز تقارن انحراف دارد.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	چولگی
ارزش شرکت	۱/۷۴۷	۱/۵۳۴	۵/۵۳۰	۰/۶۳۴	۰/۷۳۴	۱/۷۵۲
ریسک شرکت	۰/۹۴۷	۰/۷۹۱	۳/۸۹۵	۰/۰۵۷	۰/۶۵۷	۱/۸۴۱
تخصص حسابر	۰/۵۳۰	۱	۱	۰	۰/۴۹۹	-۰/۱۲۲
تصدی حسابر	۳/۳۱۳	۲	۴	۰	۲/۷۳۸	۱/۴۸۷
اندازه موسسه حسابر	۰/۵۷۸	۱	۱	۰	۰/۴۹۴	-۰/۳۱۷
اعضای غیرموظف هیئت مدیره	۰/۶۳۶	۰/۶۰۰	۱	۰	۰/۲۴۰	-۰/۶۶۰
مالکیت متمرکز	۰/۴۷۹	۰/۴۸۹	۰/۹۹۴	۰/۱۱۱	۰/۲۱۳	۰/۴۱۶
اندازه شرکت	۱۴/۳۷۰	۱۴/۱۹۰	۱۹/۷۷۰	۱۰/۴۲۰	۱/۵۵۵	۰/۷۵۵
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری دارایی‌ها	۲/۵۸۷	۲/۲۹۴	۷/۹۷۴	-۲/۳۴۵	۱/۶۱۸	۰/۵۱۴
جریان نقد عملیاتی	۰/۱۰۴	۰/۰۸۸	۰/۶۴۲	-۰/۴۶۰	۰/۱۳۱	۰/۴۹۵
بازده دارایی	۰/۰۹۰	۰/۰۷۵	۰/۶۲۶	-۰/۶۰۷	۰/۱۴۷	۰/۰۸۶
اهرم مالی	۰/۶۲۷	۰/۶۰۴	۰/۹۹۶	۰/۰۱۲	۰/۳۳۵	۲/۵۰۸

آمار استنباطی

آزمون ناهمسانی واریانس مدل پژوهش

برای تجزیه و تحلیل داده‌های هر یک از مدل‌های بیان شده نیاز است قبل از پردازش آن‌ها و آزمون فرضیه‌ها، فروض کلاسیک مدل آزمون شود. یکی از فروض رگرسیون خطی به روش حداقل مربعات معمولی (OLS) این است که تمامی جملات پسماند دارای واریانس برابر هستند، برای بررسی فرض ناهمسانی واریانس در این پژوهش، از آزمون وایت استفاده شده که نتایج آن در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس باقی مانده‌ها

فرضیه H ₀	مدل	سطح معناداری	آماره آزمون	نتیجه	روش تخمین
همسانی واریانس	اول	۰/۰۰۰۰	۶/۵۷۲	H ₀ رد می‌شود	GLS
همسانی واریانس	دوم	۰/۰۰۰۰	۴/۸۸۳	H ₀ رد می‌شود	GLS

نتایج مندرج در جدول (۲) نشان می‌دهد که آماره احتمال محاسبه شده در آزمون وایت برای مدل‌های پژوهش کمتر از

سطح خطای ۵ درصد می باشد. از این رو H_0 این آزمون مبنی بر همسان بودن واریانس ها رد می شود که نشان می دهد ناهمسانی واریانس وجود دارد و روش تخمین مدل های مورد بررسی به صورت رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) می باشد.

آزمون تشخیص روش تخمین مدل

در این پژوهش از داده های ترکیبی و برای تعیین نوع داده های ترکیبی از آزمون چاو و هاسمن استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۳) برای مدل های پژوهش نشان داده شده است، برای تخمین این مدل ها، روش به کارگیری داده ها تلفیقی یا تابلویی است.

جدول (۳): نتایج آزمون چاو و هاسمن

مدل	آزمون F لیمر			آزمون هاسمن		
	آماره	احتمال	نتیجه	آماره	احتمال	نتیجه
اول	۷/۸۹۳	۰/۰۰۰۰	روش تابلویی	۵۶/۲۳	۰/۰۲۰۹	اثرات ثابت
دوم	۷/۹۸۶	۰/۰۰۰۰	روش تابلویی	۲۵/۹۱	۰/۰۵۵۲	اثرات تصادفی

مقدار احتمال مربوط به این آماره برای مدل های اول و دوم پژوهش کمتر از ۵ درصد است، در نتیجه و بر مبنای این نتایج فرض صفر آزمون مبنی بر تلفیقی بودن داده ها رد می شود، در نتیجه داده های مدل پژوهش به صورت تابلویی تخمین زده می شود. با توجه به آزمون چاو، لازم است آزمون هاسمن برای تعیین نوع داده های تابلویی (اثرات ثابت یا تصادفی) انجام گیرد. همان طور که در جدول (۳) مقدار احتمال مربوط به آماره آزمون هاسمن برای مدل اول پژوهش نشان داده شده؛ که این مقدار کمتر از ۵ درصد است؛ بنابراین این مدل بر روی متغیر مورد نظر بر اساس رویکرد داده های تابلویی با اثرات ثابت، و مقدار احتمال مربوط به آماره آزمون هاسمن برای مدل دوم پژوهش بیشتر از ۵ درصد است؛ بنابراین این مدل بر روی متغیر مورد نظر بر اساس رویکرد داده های تابلویی با اثرات تصادفی تخمین زده می شود.

نتایج حاصل از آزمون مدل اول پژوهش

بر اساس یافته های حاصل از جدول (۴)، مقدار احتمال F در مدل برابر با ۰/۰۰۰ است. چون این مقادیر کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود، به عبارتی مدل مورد بررسی دارای اعتبار است. ضریب تعیین در مدل نیز ۸۵ درصد است، این ضریب بیان گر این است که متغیرهای مستقل و کنترلی در این مدل توانایی توجیه بیش از ۸۵ درصد از تغییرات سطوح متغیر وابسته را دارا می باشند. همچنین، در این مدل مقدار سطح معنی داری آماره دوربین واتسون در مدل فوق برابر ۱/۷۷ است که حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین باقی مانده های مدل است.

جدول (۴): نتایج آزمون مدل اول پژوهش

نام متغیر	ضریب بتا	انحراف استاندارد	آماره t	احتمال
عرض از مبدا	۲/۰۲۹	۰/۲۷۶	۷/۳۳۷	۰/۰۰۰۰
تخصص حسابرس	۰/۱۱۷	۰/۰۲۶	۴/۴۸۹	۰/۰۰۰۰
تصدی حسابرس	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۲/۴۹۴	۰/۰۲۱۲
اندازه موسسه حسابرسی	۰/۰۳۴	۰/۰۲۸	۲/۱۸۹	۰/۰۳۴۵
اعضای غیرموظف هیئت مدیره	۰/۰۸۱	۰/۰۶۷	۲/۲۱۹	۰/۰۲۳۰
مالکیت متمرکز	۰/۱۲۱	۰/۱۴۷	۲/۸۲۰	۰/۰۱۲۱
ریسک شرکت	۰/۰۵۳	۰/۰۱۵	۳/۵۴۴	۰/۰۰۰۴

اندازه شرکت	-۰/۰۸۳	۰/۰۱۹	-۴/۳۳۰	۰/۰۰۰۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری دارایی‌ها	۰/۲۵۵	۰/۰۰۹	۲۵/۸۸۰	۰/۰۰۰۰
جریان نقد عملیاتی	۰/۲۵۱	۰/۰۶۹	۳/۵۹۷	۰/۰۰۰۳
بازده دارایی	۱/۱۷۲	۰/۱۲۱	۹/۶۹۱	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	۰/۵۳۰	۰/۱۳۸	۳/۸۲۲	۰/۰۰۰۱
مقادیر آزمون F	۵۰/۹۲۷	آزمون دوربین واتسون		۱/۷۷
سطح معناداری	۰/۰۰۰۰	ضریب تعیین R ²		۰/۸۵

یافته‌های حاصل از جدول (۴) نشان می‌دهد که مقدار احتمال محاسبه شده برای متغیر تخصص حسابرس ۰/۰۰۰۰ و همچنین ضریب برآورد شده برابر با ۰/۱۱۷ است که نشان می‌دهد رابطه مورد بررسی به صورت مستقیم بوده به گونه‌ای که افزایش در تخصص حسابرس منجر به افزایش ارزش شرکت می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت تخصص حسابرس بر ایجاد ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد و فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. مقدار احتمال محاسبه شده برای متغیر تصدی حسابرس برابر ۰/۰۲۱۲ می‌باشد که نشان می‌دهد تاثیر این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار می‌باشد، همچنین ضریب برآورد شده متغیر ذکر شده برابر با ۰/۰۰۱ است که نشان می‌دهد رابطه مورد بررسی به صورت مستقیم بوده به گونه‌ای که افزایش در تصدی حسابرس منجر به افزایش ارزش شرکت می‌شود، بنابراین با توجه به احتمال برآورد شده‌ی متغیر تصدی حسابرس، می‌توان گفت تصدی حسابرس بر ایجاد ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد و براساس این نتایج، فرضیه سوم پژوهش نیز پذیرفته می‌شود. برای متغیر اندازه موسسه حسابرسی ضریب برآوردی ۰/۰۳۴ و مقدار احتمال محاسبه شده برابر ۰/۰۳۴۵ می‌باشد که این یافته حاکی از آن است که رابطه مورد بررسی به صورت مستقیم بوده به گونه‌ای که افزایش در اندازه موسسه حسابرسی منجر به افزایش ارزش شرکت می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت اندازه موسسه حسابرسی بر ایجاد ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد و براساس این نتایج، فرضیه پنجم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. مقدار احتمال محاسبه شده برای متغیر مدیران غیرموظف برابر ۰/۰۲۳۰ می‌باشد و ضریب برآورد شده ۰/۰۸۱ است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مدیران غیرموظف بر ایجاد ارزش شرکت تاثیر معناداری دارند و فرضیه هفتم در سطح اطمینان ۹۵ درصد قابل پذیرش می‌باشد. همان طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، مقدار احتمال محاسبه شده برای متغیر مالکیت متمرکز برابر ۰/۰۱۲۱ می‌باشد که نشان می‌دهد تاثیر این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار می‌باشد، همچنین ضریب برآورد شده متغیر ذکر شده برابر با ۰/۱۲۱ است که نشان می‌دهد رابطه مورد بررسی به صورت مستقیم بوده به گونه‌ای که افزایش در مالکیت متمرکز منجر به افزایش ارزش شرکت می‌شود، بنابراین با توجه به احتمال برآورد شده‌ی متغیر مالکیت متمرکز، می‌توان گفت مالکیت متمرکز بر ایجاد ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد و براساس این نتایج، فرضیه نهم پژوهش پذیرفته می‌شود. مقدار احتمال محاسبه شده برای متغیر ریسک‌پذیری برابر ۰/۰۰۰۴ و ضریب برآورد شده برابر با ۰/۰۵۳- است. که این حاکی از وجود رابطه معکوس بوده به گونه‌ای که افزایش در ریسک‌پذیری منجر به کاهش ارزش شرکت می‌شود، بنابراین با توجه به احتمال برآورد شده‌ی ریسک‌پذیری، می‌توان گفت ریسک‌پذیری بر ایجاد ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد و در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرضیه یازدهم پژوهش نیز پذیرفته می‌شود.

نتایج حاصل از آزمون مدل دوم پژوهش

بر اساس نتایج بدست آمده در جدول (۵) مقدار احتمال (یا سطح معنی‌داری) F برابر با ۰/۰۰۰۰ است. چون این مقادیر کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. به عبارتی مدل مورد بررسی دارای اعتبار است. ضریب تعیین نیز ۸۹ درصد است، این ضریب بیان‌گر این است که متغیرهای مستقل و کنترلی در این مدل

توانایی توجیه بیش از ۸۹ درصد از تغییرات سطوح متغیر وابسته را دارا می‌باشند. همچنین مقدار سطح معنی‌داری آماره دوربین واتسون برابر ۱/۷۹ است، که این حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین باقی‌مانده‌های مدل است.

جدول (۵): نتایج آزمون مدل دوم پژوهش

نام متغیر	ضریب بتا	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدا	۲/۰۲۹	۰/۲۷۲	۷/۶۱۹	۰/۰۰۰
تخصص حسابرس	۰/۰۸۴	۰/۰۳۶	۲/۳۳۴	۰/۰۱۹۸
تصدی حسابرس	۰/۰۱۲	۰/۰۰۶	۲/۱۴۹	۰/۰۴۱۶
اندازه موسسه حسابرسی	۰/۰۰۰	۰/۰۴۰	۰/۰۰۱	۰/۰۹۹۰
اعضای غیرموظف هیئت مدیره	۰/۱۱۵	۰/۰۸۴	۱/۳۷۰	۰/۰۷۰۸
مالکیت متمرکز	۰/۱۹۵	۰/۱۶۲	۲/۲۰۲	۰/۰۲۹۵
ریسک شرکت	۰/۰۳۰	۰/۰۶۳	۲/۴۸۰	۰/۰۳۱۰
اثر تعاملی ریسک‌پذیری و تخصص حسابرس	۰/۰۳۴	۰/۰۲۹	۲/۱۶۸	۰/۰۴۲۹
اثر تعاملی ریسک‌پذیری و تصدی حسابرس	۰/۰۱۳	۰/۰۰۶	۲/۹۵۲	۰/۰۴۱۱
اثر تعاملی ریسک‌پذیری و اندازه موسسه حسابرسی	۰/۰۱۰	۰/۰۳۴	۳/۲۹۶	۰/۰۰۷۲
اثر تعاملی ریسک‌پذیری و مدیران غیرموظف	۰/۳۱۱	۰/۰۹۰	۳/۴۳۰	۰/۰۰۰۶
اثر تعاملی ریسک‌پذیری و مالکیت متمرکز	۰/۱۸۴	۰/۰۵۰	۳/۶۶۲	۰/۰۰۰۳
اندازه شرکت	-۰/۰۸۳	۰/۰۱۹	۴/۷۹۵	۰/۰۰۰۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری دارایی‌ها	۰/۲۵۵	۰/۰۱۰	۲۳/۳۴۰	۰/۰۰۰۰
جریان نقد عملیاتی	۰/۲۵۱	۰/۰۶۶	۳/۶۱۶	۰/۰۰۰۳
بازده دارایی	۱/۱۷۲	۰/۱۱۸	۱۰/۲۰۰	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	۰/۵۳۰	۰/۱۳۷	۴/۰۸۹	۰/۰۰۰۰
مقادیر آزمون F	۴۹/۹۲۱	آزمون دوربین واتسون ۱/۷۹		
مقادیر سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰۰	مقادیر ضریب تعیین R ² ۰/۸۹		

همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، مقدار احتمال محاسبه شده برای متغیر اثر تعاملی ریسک‌پذیری و تخصص حسابرس برابر ۰/۰۴۲۹ می‌باشد که نشان می‌دهد تاثیر این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار می‌باشد، همچنین ضریب برآورد شده متغیر ذکر شده برابر با ۰/۰۳۴ است که نشان می‌دهد رابطه مورد بررسی به صورت مستقیم بوده به گونه‌ای که افزایش در اثر تعاملی ریسک‌پذیری و تخصص حسابرس منجر به افزایش ارزش شرکت می‌شود، بنابراین با توجه به احتمال برآورد شده متغیر اثر تعاملی ریسک‌پذیری و تخصص حسابرس، می‌توان گفت تخصص حسابرس، شدت اثر ریسک‌پذیری بر ایجاد ارزش شرکت را تعدیل می‌کند و براساس این نتایج، فرضیه دوم پژوهش پذیرفته می‌شود. همچنین، مقدار احتمال محاسبه شده برای متغیر اثر تعاملی ریسک‌پذیری و تصدی حسابرس برابر ۰/۰۴۱۱ و ضریب برآورد شده آن برابر با ۰/۰۱۳ است که نشان می‌دهد رابطه مورد بررسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت مستقیم و مثبت بوده به گونه‌ای که افزایش در اثر تعاملی ریسک‌پذیری و تصدی حسابرس منجر به افزایش ارزش شرکت می‌شود، بنابراین با توجه به احتمال برآورد شده، می‌توان گفت تصدی حسابرس، شدت اثر ریسک‌پذیری بر ایجاد ارزش شرکت را تعدیل می‌کند و براساس این نتایج، فرضیه چهارم پژوهش نیز پذیرفته می‌شود. همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، مقدار احتمال محاسبه شده برای متغیر اثر تعاملی ریسک‌پذیری و اندازه موسسه حسابرسی نیز برابر ۰/۰۳۷۲ می‌باشد که نشان می‌دهد تاثیر این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار می‌باشد، همچنین ضریب برآورد شده متغیر ذکر شده برابر با ۰/۰۱۰ است که نشان می‌دهد رابطه مورد بررسی به صورت

مستقیم بوده به گونه‌ای که افزایش در اثر تعاملی ریسک‌پذیری و اندازه موسسه حسابرسی منجر به افزایش ارزش شرکت می‌شود، بنابراین می‌توان نشان داد که اندازه موسسه حسابرسی، شدت اثر ریسک‌پذیری بر ایجاد ارزش شرکت را تعدیل می‌کند و براساس این نتایج، فرضیه ششم پژوهش نیز پذیرفته می‌شود. مقدار احتمال محاسبه شده برای متغیر اثر تعاملی ریسک‌پذیری و مدیران غیرموظف برابر $0/0006$ و ضریب برآورد شده آن برابر با $0/311$ است. که این نشان می‌دهد رابطه مورد بررسی به صورت مستقیم بوده به گونه‌ای که افزایش در اثر تعاملی ریسک‌پذیری و مدیران غیرموظف منجر به افزایش ارزش شرکت می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت مدیران غیرموظف، شدت اثر ریسک‌پذیری بر ایجاد ارزش شرکت را تعدیل می‌کند و بر این اساس، فرضیه هشتم پژوهش پذیرفته می‌شود. و در انتها، مقدار احتمال محاسبه شده برای متغیر اثر تعاملی ریسک‌پذیری و مالکیت متمرکز برابر $0/0003$ می‌باشد که نشان می‌دهد تاثیر این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار می‌باشد، هم‌چنین ضریب برآورد شده برابر با $0/184$ است که نشان می‌دهد رابطه مورد بررسی به صورت مستقیم بوده به گونه‌ای که افزایش در اثر تعاملی ریسک‌پذیری و مالکیت متمرکز منجر به افزایش ارزش شرکت می‌شود. بنابراین می‌توان گفت مالکیت متمرکز، شدت اثر ریسک‌پذیری بر ایجاد ارزش شرکت را تعدیل می‌کند و براساس این نتایج، فرضیه نهم پژوهش نیز پذیرفته می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و ریسک‌پذیری در جهت ایجاد ارزش در بین ۱۸۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، همه فرضیه‌های پژوهش مورد تایید قرار گرفت. نتایج نشان داد بین پنج مولفه به‌کار گرفته شده برای بررسی کیفیت حسابرسی و همچنین عامل ریسک، همه مولفه‌ها و عامل ریسک در ایجاد ارزش موثر بودند. علاوه بر این، همه مولفه‌ها تأثیرات ریسک شرکت‌ها در ایجاد ارزش را تحت تأثیر قرار دادند

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد تخصص حسابرس بر ایجاد ارزش شرکت تاثیر معناداری دارد و تخصص حسابرس، شدت اثر ریسک‌پذیری بر ایجاد ارزش شرکت را تعدیل می‌کند. مکانیزم نظارتی مناسب، می‌تواند علاوه بر افزایش تناسب اهداف سهامداران و مدیران؛ تصمیمات مدیریت را تحت تاثیر قرار دهد و وی را ترغیب به اتخاذ تصمیماتی سازد که با توجه به قبول ریسک بیشتر، زمینه افزایش شرکت را نیز فراهم سازد. حسابرسان متخصص به دلیل برخورداری از دانش تخصصی از شرایط صنعت صاحبکار، توانایی بیشتری در ارائه حسابرسی باکیفیت‌تر برای کاهش ریسک اطلاعاتی دارند. به بیان دیگر، آنان توانایی کسب ارزش افزوده بیشتری را دارند. نتایج فرضیه اول از پژوهش حاضر مغایر با پژوهش مانگستی و سولیمون (۲۰۱۹) و نتایج فرضیه دوم مغایر با پژوهش مانگستی و سولیمون (۲۰۱۹) می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم و چهارم پژوهش حاکی از آن است که دوره تصدی بلندمدت‌تر باعث آشنایی بیشتر حسابرس با عملیات تجاری و مسائل گزارشگری صاحبکار، تسریع در انجام عملیات حسابرسی، کاهش هزینه‌های حسابرسی و افزایش کیفیت حسابرسی می‌گردد. از آن‌جا که کیفیت حسابرسی موجب افزایش ارزش شرکت می‌گردد و یکی از مولفه‌های به‌کار گرفته شده برای بررسی کیفیت حسابرسی دوره تصدی حسابرس می‌باشد می‌توان گفت دوره تصدی حسابرس نیز موجب افزایش ارزش شرکت می‌گردد. و با توجه به این‌که با افزایش کیفیت حسابرسی، ریسک‌پذیری شرکت بیشتر می‌گردد پس می‌توان گفت دوره تصدی حسابرس تاثیر ریسک‌پذیری بر ارزش شرکت را تعدیل می‌کند. نتایج فرضیه سوم از تحقیق حاضر مطابق با پژوهش مانگستی و سولیمون (۲۰۱۹) می‌باشد و نتیجه فرضیه چهارم مغایر با پژوهش مانگستی و سولیمون (۲۰۱۹) می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه پنجم و ششم پژوهش حاکی از آن است که مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ مشتریان بزرگ-تری دارند، از این رو، توقع بازار برای کشف تحریفات موجود در صورت‌های مالی از حساب‌رسان افزایش می‌یابد. علاوه بر آن، شواهد تجربی حاکی از این است که مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ‌تر دارای کیفیت حسابرسی برتر هستند، زیرا از منابع و امکانات بهتری برای آموزش حساب‌رسان در انجام حسابرسی، نسبت به مؤسسات کوچک‌تر برخوردار هستند. نتایج فرضیه پنجم و ششم از تحقیق حاضر مغایر با پژوهش مانگستی و سولیمون (۲۰۱۹) می‌باشد و نتیجه فرضیه پنجم مطابق با پژوهش تفتیان و اسکندری (۱۳۹۵)، می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه هفتم و هشتم پژوهش حاکی از آن است که ساختار مالکیت (شامل تمرکز مالکیت) چندین انگیزه برای نظارت بر گزارشگری مالی و نفوذ بر حساب‌رسان مستقل دارد. از جمله این انگیزه‌ها می‌توان به این موضوع اشاره کرد که صورت‌های مالی حسابرسی شده منبع مهمی از اطلاعات در مورد شرکت می‌باشند و نیز این که سرمایه-گذاران در تجزیه و تحلیل اطلاعات حسابداری و تصمیم‌گیری‌های مالی بر کیفیت حسابرسی و نوع گزارش حساب‌رسان اهمیت ویژه‌ای قائل هستند. بنابراین انتظار می‌رود مالکیت شرکت‌ها (مالکیت متمرکز) بر کیفیت حسابرسی تأثیر بالقوه‌ای داشته باشد. نتایج فرضیه هفتم از تحقیق حاضر مغایر با پژوهش مانگستی و سولیمون (۲۰۱۹) می‌باشد. و نتیجه فرضیه هشتم مطابق با پژوهش مانگستی و سولیمون (۲۰۱۹) می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه نهم و دهم پژوهش حاکی از آن است که مدیران (غیرموظف) نسبت به سایر اعضای هیئت مدیره، در نظارت بر عملکرد مدیران اجرایی و روند گزارشگری مالی جاه طلب هستند، بنابراین نظارت بهتر، به پشتکار و تقویت موقعیت شغلی آنها کمک می‌کند. بنابراین می‌توان گفت اعضای غیرموظف هیئت مدیره، برای رسیدن به مقاصد خود خواستار حسابرسی با کیفیت می‌باشند. نتایج فرضیه نهم و دهم از تحقیق حاضر مغایر با پژوهش مانگستی و سولیمون (۲۰۱۹) می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه یازدهم پژوهش حاکی از آن است که ریسک‌گریزی مدیران موجب اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری با ریسک پایین و به تبع آن عدم پذیرش فرصت‌های سرمایه‌گذاری دارای ریسک و ارزش بالا می‌گردد، مدیران به پذیرش ریسک کمتر نیز تمایل دارند که به نوبه خود ممکن است کاهش ارزش شرکت را به همراه داشته باشد. براساس تئوری نمایندگی، مدیران هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری ریسک شخصی خود را نیز در نظر می‌گیرند، چرا که آنان نمی‌توانند همانند سهامداران از طریق تنوع بخشی، ریسک شخصی خود را کاهش دهند. بنابراین می‌توان گفت ریسک‌پذیری بر ارزش شرکت تأثیر منفی دارد. نتایج فرضیه یازدهم از تحقیق حاضر مغایر با پژوهش مانگستی و سولیمون (۲۰۱۹) و مطابق با پژوهش مای (۱۹۹۵)، می‌باشد.

سهامداران همواره نیازمند اطلاعاتی هستند که بتوانند برای ارزیابی تصمیمات خود از آنها بهره گیرند. تصمیمات باید از لحاظ مالی و دیدگاه تحلیل‌گر مالی به گونه‌ای باشد که در شرکت ارزش ایجاد کند. در هر رویداد اقتصادی، سرمایه-گذاران برای تصمیم‌گیری نیازمند اطلاعات قابل اتکا هستند و در تعیین نرخ بازده مورد انتظار خود بر صورت‌های مالی شرکت اتکا می‌کنند. از طرف دیگر، قابلیت اتکاء بر صورت‌های مالی، با انجام حسابرسی با کیفیت امکان‌پذیر خواهد بود. بنابراین می‌توان گفت کیفیت حسابرسی بر ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد و از آن‌جا که معیارهای ذکر شده برای بررسی کیفیت حسابرسی موجب افزایش کیفیت حسابرسی می‌گردند، می‌توان گفت که بر ارزش شرکت نیز تأثیر معناداری دارند. در نتیجه به سرمایه‌گذاران و سهامداران توصیه می‌شود موارد مطروحه را در تصمیمات خود لحاظ کنند. همچنین، وجود یک سازوکار نظارتی قوی باعث کاهش تضاد منافع میان مدیران و مالکان شده و مدیران را ترغیب می‌نماید که در راستای تأمین منافع مالکان عمل نمایند. بر این اساس، انتظار می‌رود که نظارت قوی موجب افزایش ریسک-پذیری شرکت گردد. حساب‌رسان مستقل به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای نظارتی بوده و انجام حسابرسی با کیفیت بالا،

از عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و مالکان کاسته و موجب کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌گردد. از لحاظ نظری، نظارت قوی؛ بر تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران اثرگذار بوده و از طریق کاهش هزینه‌های نمایندگی سبب پذیرش فرصت‌های سرمایه‌گذاری مخاطره آمیز اما با ارزش بالا، می‌گردد. بر این اساس، انتظار می‌رود که به‌کارگیری حسابرسی با کیفیت بالا، موجب افزایش ریسک‌پذیری شرکت شود.

منابع

- ✓ اسکندری، سجاد، (۱۳۹۴)، تاثیر تغییر شریک حسابرسی بر کیفیت گزارش‌گری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی تاکستان.
- ✓ پروان، هاجر، رمضان‌پور، اسماعیل، قلی‌زاده، محمدحسن، (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر مکانیزم‌های راهبردی شرکتی بر رفتار ریسک‌پذیری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دوفصلنامه اقتصاد پولی، مالی (دانش و توسعه سابق)، دوره جدید، دوره ۲۴، شماره ۱۳، صص ۱۲۴-۱۴۹.
- ✓ پورزمانی، زهرا، احسان‌رضا، خریدار، (۱۳۹۲)، تاثیر مالکان نهادی عمده بر ارزش شرکت، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، دوره ۶ شماره ۲۰، صص ۷۹-۸۹.
- ✓ پیری، پرویز، شیخ‌محمدی، امیر، جوادی، نعمت‌الله، (۱۳۹۲)، بررسی ارتباط بین اندازه موسسه حسابرسی، تعداد صاحبکاران موسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی، فصلنامه دانش حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، صص ۱-۲۶.
- ✓ تفتیان، اکرم، اسکندری، مهدی، (۱۳۹۵)، بررسی اثر سرمایه‌گذاران نهادی بر رابطه بین اندازه و تخصص حسابرسی در صنعت با ریسک‌پذیری شرکت‌ها ی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت در هزاره سوم.
- ✓ جامی، مجید، محمدی، فاطمه، سارانی، افسانه، (۱۳۹۸)، بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، دوره ۳، شماره ۱۴، جلد دوم، صص ۶۵-۷۶.
- ✓ حاجیها، زهره، قانع، علی، (۱۳۹۵)، بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر فرصت سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه دانش حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۳، صص ۱۰۳-۱۲۷.
- ✓ حسینی، سیدمحمد، (۱۳۸۹)، رابطه بین ارزش افزوده اقتصادی و شاخص کیوتوبین با بازده سهام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ✓ حیدری‌بهراری، ریحانه، (۱۳۹۵)، بررسی تاثیر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر ارتباط بین مدیریت سود واقعی و ارزش شرکت، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه علوم و اقتصادی دانشگاه الزهرا (س)، شعبه ارومیه.
- ✓ خدای‌پور، احمد، محمدرضاخانی، وحید، هوشمندزعفرانی، رحمت‌الله، (۱۳۹۲)، بررسی تاثیر ویژگی‌های کیفی حسابرسی بر هزینه حقوق صاحبان سهام، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۲۰، صص ۱-۲۳.
- ✓ خواجوی، شکراله، داداش، ناصر، رضایی، غلامرضا، (۱۳۹۳)، رابطه ساختار سرمایه، ساختار مالکیت و عملکرد با استفاده از رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۶ شماره ۲۳، صص ۷۴-۵۵.
- ✓ رمضان‌احمدی، محمد، قلمبر، محمدحسین، درسه، سیدصابر، (۱۳۹۳)، بررسی تاثیر اندازه موسسه حسابرسی و اظهارنظر حسابرسی بر خطر سقوط آتی قیمت سهام، بررسی‌های حسابداری، دوره ۱، شماره ۴، صص ۳۷-۵۹.
- ✓ سال‌افزون، روح‌اله، مهربابی، مهدی، زکی‌پور، رسول، (۱۳۹۵)، بررسی ارتباط میان ریسک‌پذیری، ارزش شرکت و پیش-بینی سود مدیریت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و علوم

انسانی، استانبول - کشور ترکیه، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.

- ✓ صالحی، مهدی، عبدلی محمودآباد، ناصر، (۱۳۹۷)، تأثیر تخصص حسابرسان در صنعت بر ریسک‌پذیری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه دانش حسابرسان، دوره ۱۸، شماره ۷۰، صص ۵-۲۴.
- ✓ صفری‌گرایی، مهدی، (۱۳۹۶)، رابطه به‌کارگیری حسابرسان متخصص صنعت و ریسک‌پذیری شرکت، با توجه به اثر تعدیل‌کنندگی سرمایه‌گذاران نهادی، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسان، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۱۳۷-۱۶۱.
- ✓ علی‌پور، صفدر، امیری، اسماعیل، همتی، حسن، (۱۳۹۶)، تأثیر شاخص‌های کیفیت حسابرسان بر ارتباط بین دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد، فصلنامه دانش حسابرسان، دوره ۱۷، شماره ۶۸، صص ۱۶۹-۱۹۱.
- ✓ معین‌الدین، محمود، اردکانی، سعید، فاضل‌یزدی، علی، زین‌الدینی‌میمند، لیلی، (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر نظام حاکمیت شرکتی بر رابطه بین ساختار سرمایه و ارزش شرکت با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه دانش سرمایه‌گذاری، دوره ۳، شماره ۹، صص ۱۰۱-۱۳۳.
- ✓ ملکیان، اسفندیار، شایسته‌مند، حمیدرضا، (۱۳۹۴)، تبیین تأثیر سازوکارهای مدیریتی راهبردی شرکتی بر ریسک‌پذیری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه حسابداری مالی، دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۱۰۵-۱۲۶.
- ✓ میرزاجانی، ساره، حسین‌زاده‌جماسان، زهرا، (۱۳۹۷)، نقش کیفیت حسابرسان در ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، کنفرانس مدیریت، کارآفرینی و حسابداری، کیش، شرکت مهندسی مشاور ژئودالامپر.
- ✓ نیکبخت، محمدرضا، شعبان‌زاده، مهدی، کنارکار، امین، (۱۳۹۵)، رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسان و تجربه حسابرسان با کیفیت حسابرسان، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱۹۰-۲۰۸.
- ✓ هادی‌زاده، ایوب، (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرسان بر رابطه بین ساختار هیئت مدیره و ریسک‌پذیری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، موسسه آموزش عالی عامل.
- ✓ یاسایی، سلو، (۱۳۸۹)، تأثیر کیفیت حسابرسان بر اقلام تعهدی اختیاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابرسان، دانشگاه تهران.
- ✓ Ali Shah, A. Kouser, R. Aamir, M. Mazhar Hussain, Ch. (2013). The Impact of the Corporate Governance and The Ownership Structure on the Firms Financial Performance and Risk Taking Behavior. Euro Journals Publishing, Issue (93): 1450-2887.
- ✓ Amihud, Y. and Lev, B. (1981). Risk Reduction as a Managerial Motive for Conglomerate Mergers. Bell Journal of economics, Vol. 12, No. 2, PP. 605-617.
- ✓ Ashbaugh, H., & Warfield, T. D. (2003). Audits as a Corporate Governance Mechanism: Evidence from the German Market. Journal of International Accounting Research. Vol.2, PP. 1 - 21.
- ✓ Bushman, R.& Smith, A. (2001). Financial Accounting Information and Corporate Governance. Journal of Accounting and Economics, PP.237-333.
- ✓ Guay, W. (1999). The Sensitivity of CEO Wealth to Equity Risk: An Analysis of the Magnitude and Determinants. Journal of Financial Economics, Vol. 53, No. 1, PP. 43-71.
- ✓ Hoelscher, J.L. Seavey S. E. (2014). Auditor Industry Specialization and Corporate Risk-Taking. Managerial Auditing Journal. Vol.29, No.7, PP. 596-620.
- ✓ Huang, Y.S. Wang, C.J. (2015). Corporate Governance and Risk-Taking of Chinese Firms: The Role of Size. International Review of Economics and Finance. 16-17.
- ✓ Jensen, M. C; and Meckling, W. H. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs, and Ownership Structure. Journal of Financial Economics, PP.305-360.
- ✓ Kanodia, C. and Lee, D. (1998). Investment and Disclosure: The Disciplinary Role of

- Periodic Performance Reports. *Journal of Accounting Research*, Vol. 36, No. 1, PP. 33-55.
- ✓ Low, A. (2009). Managerial Risk-Taking Behavior and Equity-Based Compensation. *Journal of Financial Economics*, Vol. 92, No. 3, PP. 470-490.
 - ✓ Mangesti, S., Solimun, S., (2019). The relationship between audit quality and risk taking toward value creation in Indonesia. *Journal of Accounting in Emerging Economies*. 2042-1168.
 - ✓ Markowitz, H. M. (1952). Portfolio Selection. *Journal of Finance*, 7 (1), PP. 77-91.
 - ✓ May, D. (1995). Do Managerial Motives Influence Firm Risk Reduction Strategies? *The Journal of Finance*, Vol. 50, No. 4, PP. 1291-1307.
 - ✓ Nguyen, P. (2011). Corporate governance and risk-taking: Evidence from Japanese firms. *Pacific-Basin Finance Journal*, 19: 278-297.
 - ✓ Smith, C., Watts, R. and Stulz, R. (1985). The Determinants of Firms Hedging Policies. *The Journal of Financial and Quantitative Analysis*. Vol. 20, No. 4, PP.391-405.
 - ✓ Tai, V.W. Lai, Y-H. Yang, T-H., (2018). The Role of the Board and the Audit Committee in Corporate Risk Management. *North American Journal of Economics & Finance*.
 - ✓ Wright, P., Cheng, W. Awasthi, V. (1996). Impact of Corporate Insider, Block Holder, and Institutional Equity Ownership on Firm Risk-Taking. *Academy of Management Journal*, Vol. 39, No. 2, PP. 441-463.